Spring (2023) 14(1): 21-42
DOI: 10.30473/grup.2023.49653.2471
Received: 14 December 2019 Accepted: 31 August 2020

Urban Ecological Research Open Access

ORIGINAL ARTICLE

The Role of Behavioral System in the Sociality of Urban Parks: A Case Study of Azadi Park of Shiraz

Malihe Taghipour[1*], Aliakbar Heidari[2], Farzaneh Narimani[3]

[1] Associate Professor Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

[2] Assistant Professor, Department of Architecture, Yasouj University, Yasouj, Iran.

[3] Ph.D. Candidate of Architecture Department, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Correspondence
Malihe Taghipour
Email:
malihe_taghipour@yahoo.com

How to cite
Taghipour M., Heidari A. & Narimani F. (2023). The Role of Behavioral System in the Sociality of Urban Parks: A Case Study of Azadi Park of Shiraz. Urban Ecological Research, 14(1), 21-42.

ABSTRACT
The purpose of the present study is to investigate the role of behavioral system in the sociability of urban parks in Azadi Park of Shiraz. The method is combined that includes descriptive and analytical methods using environmental psychology, library studies and field observations. The data has been collected through questionnaires and logical reasoning. The results show that the sociability and the multifunctionality and and the wide range of capabilities can indicate the richness of the space in such a way that despite the existing obstacles and challenges, the space has shown an acceptable function, and over time, it can develop new functions and roles, in accordance with social changes. Also, the findings show that voluntary and social activities increase the sociability of the space more than mandatory activities, and finally, it draws a model of the activity pattern; which has the greatest impact on sociability.

KEYWORDS
Behavioral System, Socialization, Urban Park, Shiraz.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.
This is an open access article under the CC BY 4.0 license (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

سال چهاردهم، شماره یکم، پیاپی سی‌ام، بهار ۱۴۰۲ (۴۲-۲۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

DOI: 10.30473/grup.2023.49653.2471

نشریه علمی

پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری

«مقاله پژوهشی»

بررسی نقش نظام رفتاری در اجتماع‌پذیری پارک‌های شهری؛ پژوهش موردی پارک آزادی شیراز

ملیحه تقی‌پور[۱*]، علی‌اکبر حیدری[۲]، فرزانه نریمانی[۳]

[۱] دانشیار، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران.

[۲] استادیار، گروه معماری، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

[۳] دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران.

نویسنده مسئول:
ملیحه تقی‌پور
رایانامه:
malihe_taghipour@yahoo.com

چکیده

هدف از مطالعه حاضر، بررسی نقش نظام رفتاری در اجتماع‌پذیری پارک‌های شهری در پارک آزادی شیراز است. شیوه پژوهش ترکیبی شامل روش‌های توصیفی، تحلیلی با بهره‌گیری از روان‌شناسی محیط، مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهده و برداشت میدانی است. گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه و استدلال منطقی صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اجتماع‌پذیری و چندعملکردی‌بودن و گستردگی قابلیت‌ها می‌تواند نشان از غنی بودن فضا باشد؛ به‌گونه‌ای که فضا با وجود موانع و چالش‌های موجود، درمجموع کارکرد قابل‌قبولی را از خود نشان داده و درگذر زمان می‌تواند عملکردها و نقش‌های جدید و متناسب با تغییرات اجتماعی را بپذیرد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی بیش‌تر از فعالیت‌های اجباری سبب ارتقای اجتماع‌پذیری فضا می‌شوند و در نهایت به ترسیم مدل الگوی فعالیتی می‌پردازد که بیش‌ترین تأثیرگذاری را بر اجتماع‌پذیری دارد.

واژه‌های کلیدی

نظام رفتاری، اجتماع‌پذیری، پارک‌های شهری، شیراز.

استناد به این مقاله:

تقی‌پور، ملیحه، حیدری، علی‌اکبر و نریمانی، فرزانه (۱۴۰۲). بررسی نقش نظام رفتاری در اجتماع‌پذیری پارک‌های شهری؛ پژوهش موردی پارک آزادی شیراز. فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۴(۱)، ۴۲-۲۱.

مقدمه

انسان همواره در تعامل با محیطی است که خود جزئی از آن به شمار می‌رود. یک رفتار اجتماعی معمولاً در خلأ رخ نمی‌دهد و نیازمند بستری برای روی دادن است. این بستر متشکل از وجوه کالبدی، اجتماعی و ذهنی ادراکی است که در جریان یک رابطه رفت‌وبرگشتی میان انسان و محیط شکل گرفته و تعامل میان انسان و محیط را برقرار می‌نماید (کامل‌نیا، ۱۳۸۷: ۵۹).

بنابراین شکل‌گیری فضاهای اجتماع‌پذیر به‌عنوان یکی از نمودهای بارز چنین جریان تعاملی، از یک‌سو معطوف به کیفیت نظام‌های رفتاری و از سوی دیگر متأثر از ویژگی‌های کالبدی محیط و نیز بستر ادراکی حاکم بر آن است. بنابراین ارزیابی تأثیر این مؤلفه‌ها بر شکل‌گیری فضاهای اجتماع‌پذیر در بستر فضاهای باز شهری موضوعی است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

پژوهش حاضر، دو هدف را مدنظر قرار می‌دهد. در هدف اصلی، نقش نظام رفتاری در شکل‌گیری فضاهای اجتماع‌پذیر در بستر فضاهای شهری می‌گیرد و در هدف اختصاصی، نقش عوامل کالبدی سازنده محیط و نیز عوامل ذهنی ادراکی در بروز رفتارهای اجتماع‌پذیرانه در بستر فضاهای باز شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در همین رابطه یک پارک شهری به‌عنوان نمونه‌ای از فضاهای باز شهری که در آن تنوع فعالیت‌های جمعی قابل وقوع هستند، به‌عنوان بستر پژوهش انتخاب شده است.

با این توضیح، پرسش‌های پژوهش به این صورت قابل‌طرح هستند:

۱. نقش الگوهای رفتاری در اجتماع‌پذیر یا اجتماع‌گریز شدن پارک‌های شهری چیست؟

۲. عوامل کالبدی و عوامل ذهنی ادراکی چگونه می‌توانند در اجتماع‌پذیری فضاهای باز شهری تأثیرگذار باشند؟

مبانی نظری

اجتماع‌پذیری فضایی

استفاده از واژه‌هایی مانند اجتماع‌پذیر یا اجتماع‌گریز بودن فضا، بیانگر کیفیاتی در معماری هستند که باعث دورهم جمع شدن و یا از یکدیگر دور شدن مردم در یک فضای معماری می‌شوند (Osmand, 1957: 26). این موضوع (در معنای مثبت آن) در بستر یک فضای شهری، در قالب ایجاد روابط اجتماعی میان افراد استفاده کننده از آن فضا و نیز افزایش فرصت‌هایی جهت ایجاد تعاملات اجتماعی میان فرد و گروه‌های مختلف شکل می‌گیرد (صالح‌نیا و معماریان، ۱۳۸۸: ۸). بنابراین از یک‌سو متأثر از نظام فضا و ابعاد محیطی آن و از سوی دیگر برگرفته از ویژگی‌های کاربران فضا و خصوصیات فردی و اجتماعی آن‌ها است.

پیچیدگی و چندبعدی بودن فضاهای اجتماع‌پذیر موجب گردیده که ماهیت آن توسط صاحب‌نظران مختلفی مورد توجه و تحلیل قرار گیرد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۶۹). یان گل (۱۹۸۷) پنج عامل شامل سرزندگی، سلامت، پایداری، جذابیت و امنیت را مرتبط با کیفیت زندگی انسان معرفی می‌کند و نمود آن‌ها در فضا را عاملی جهت اجتماعی شدن آن می‌داند (Gel, 1987: 68). وایت نیز بر ضرورت وجود فضاهای عمومی باکیفیت برای تسهیل در تعاملات اجتماعی تأکید کرده و در خلق مکان‌های عمومی، توجه به وجوه مشارکت مردمی در ایجاد تعاملات اجتماعی را ضروری می‌داند (Carmona, 2003: 93). دیدگاه هنری لوفور فرایند تولید فضا را دربر می‌گیرد و در زمینهٔ تریالکتیک فضایی برای منظر شهری بهره‌برداری شده است. در حقیقت منظر هر شهر، برونداد واقعیت‌های آن جامعه است که در یک ارتباط پدیدارشناسانه و نشانه‌شناسانه ادراک می‌شوند و منظر شهری را نه می‌توان صرفاً به امر کالبدی تقلیل داد که مستلزم ذهنیت شناسنده باشد و نه امری ذهنی که فارغ از جنبه کالبدی شکل گرفته باشد. بلکه در بردارنده تمام عوامل تولید فضا (عوامل فیزیکی، عوامل ذهنی و عوامل اجتماعی) می‌باشد.

در واقع فضای فیزیکی، هم فرایند تولید شکل مادی فضای اجتماعی را نمایش می‌دهد و هم برونداد فعالیت‌ها، رفتارها و تجربیات انسانی می‌باشد (Lefebvre, 1991: 31). علاوه بر موارد عنوان شده، نظریه‌پردازان دیگری نیز به موضوع اجتماع‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند که هرکدام از این نظریه‌ها، مجموعه عواملی را بر این مهم مؤثر می‌دانند که پس از مطالعه موارد عنوان شده، جمع‌بندی آن‌ها در قالب جدول ۱، ارائه شده است:

جدول ۱. عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری در پارک‌های شهری از دیدگاه نظریه‌پردازان

	یان گل	وایت	لنگ	استفان کار	لنارد	یان بنتلی	رلف	مارکوس و فرانسیس	دیوید هومن	پاکزاد	محمد نقی‌زاده
تنوع فعالیتی	*	*	*	*	*		*	*	*	*	
دسترسی			*	*	*				*		*
انعطاف‌پذیری		*	*	*	*			*		*	
تعامل اجتماعی		*	*		*					*	*
خاطره‌انگیزی					*		*			*	
حضور مردم	*	*	*						*	*	
امنیت	*	*		*		*		*			
پیوستگی فضا	*				*					*	*
نفوذپذیری		*				*		*			*

جدول ۱، حاوی مجموعه عوامل مختلفی است که بر اجتماع‌پذیری فضاهای باز شهری تأثیرگذار هستند. آنچه در این جدول گرد آمده است، به‌نوعی نقاط مشترک تحقیقات نظری و تجربی نظریه‌پردازان پیرامون اجتماع‌پذیری در فضای عمومی شهری است که معیارهایی از آن‌ها اتخاذ شده است. این معیارها با یکدیگر تطبیق داده شده و اشتراکات به‌عنوان زیر معیارهای ابعاد اصلی این پژوهش انتخاب شده‌اند. بر این اساس ابعاد اجتماع‌پذیری فضای عمومی در سه بعد فعالیتی، ادراکی و کالبدی تقسیم‌بندی شده است که هرکدام از این ابعاد معیارهایی دارد.

فضای اجتماع‌پذیر و نظام فعالیتی

فضاهای اجتماع‌پذیر به‌عنوان بخشی از قلمروی اجتماعی، هنگامی کارایی لازم را دارند که به دسته وسیعی از رفتارها و نیازهای انسانی جوابگو باشند. چنین فضاهایی باید این امکان را داشته باشند که رفتارهای مطلوب را تسهیل نموده و از آن به‌عنوان عاملی محرک در جهت جذب افراد به فضا استفاده نمایند (بحرینی، ۱۳۸۷: ۱۳). وجود فعالیت‌های گروهی و یا فضاهایی که کانون تجمع به شمار می‌روند (مانند زمین‌های بازی کودکان و یا رستوران‌ها و ...)، امکان حضور افراد در فضا و ایجاد تجربه‌هایی مشترک را چند برابر می‌نماید. بنابراین منظور از فضاهای اجتماع‌پذیر، فضاهایی هستند که با عملکرد خاص خود، مردم را به خود جذب نموده و امکان برخوردهای رودررو را برحسب نوع فعالیت و کششی که ایجاد می‌نمایند، فراهم سازند (قلمبردزفولی و نقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۹۳).

بر اساس دسته‌بندی یان گل از انواع فعالیت‌ها، سه نوع فعالیت بیرونی در فضاهای اجتماع‌پذیر قابل‌تشخیص هستند که شامل موارد زیر می‌باشند.

- فعالیت‌های ضروری (اجباری): آن دسته از فعالیت‌هایی هستند که در زندگی افراد حالتی کم‌وبیش اجباری دارند و فرد در هر حالتی مجبور به انجام آن‌هاست؛ مانند رفت‌وآمد به محل کار، مدرسه یا دانشگاه؛
- فعالیت‌های انتخابی (اختیاری): فعالیت‌هایی هستند که افراد در صورت تمایل آن‌ها را انتخاب می‌کنند و جنبه حیاتی ندارند. این دسته فعالیت‌ها در شرایطی رخ می‌دهند که بستر و زمینه مطلوب برای انجام آن‌ها مهیا باشد؛ مانند ورزش و تفریح؛
- فعالیت‌های (اجتماعی): آن دسته از رفتارها و فعالیت هایی را شامل می‌شوند که وقوع آن‌ها، بسته به حضور دیگران در فضاهای عمومی است. این فعالیت‌ها با بودن مردم و اجتماع آن‌ها در فضاهای عمومی ارتباط مستقیم دارند و بسته به نوع «اجتماعات» از سطوح و شدت‌های مختلفی برخوردار هستند. اما در هر حال، همه آن‌ها فعالیت‌های اجتماعی به شمار می‌آیند. مثلاً ممکن است افراد صرفاً از کنار هم عبور کنند یا فقط همدیگر را ببینند یا با هم گفتگو کنند و یا در حضور هم به منظره‌ای نگاه کنند. در هر صورت تجمع افراد در فضاهای عمومی همراه با دسته‌ای از فعالیت‌هاست و پیش‌درآمد وقوع رفتارهای اجتماعی می‌باشد (Gel, 1987: 3).

فعالیت‌های اجتماعی برآیندی از دو فعالیت دیگرند و همواره با آن دو نسبتی مستقیم دارند. موارد مؤثر بر کیفیت این سه فعالیت را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

نخست، این فعالیت‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر محیط بیرونی هستند؛ به‌طوری که اگر فضای بیرونی دارای کیفیت مطلوب باشد، مردم تمایل خواهند داشت که برخی از فعالیت‌های انتخابی‌شان را در آن محیط‌ها انجام دهند و به‌واسطه این انتخاب و افزایش جمعیت در آن محیط، شدت و میزان فعالیت‌های

اجتماعی نیز بالا می‌رود (Gehl, 2010: 98). در چنین شرایطی محیط های کالبدی، حالت دعوت‌کنندگی به انجام برخی از رفتارهای اجتماعی و تقویت آن ها را دارند؛ یعنی فعالیت های معمولی چون مشاهده رویدادها، نشستن، خوردن و قدم زدن، می‌توانند منجر به رفتارهای اجتماعی چون شرکت در یک مراسم، مشارکت در یک فعالیت یا بازی گروهی و صحبت کردن با هم شوند (بهرامی، ۱۳۹۰: ۸۲).

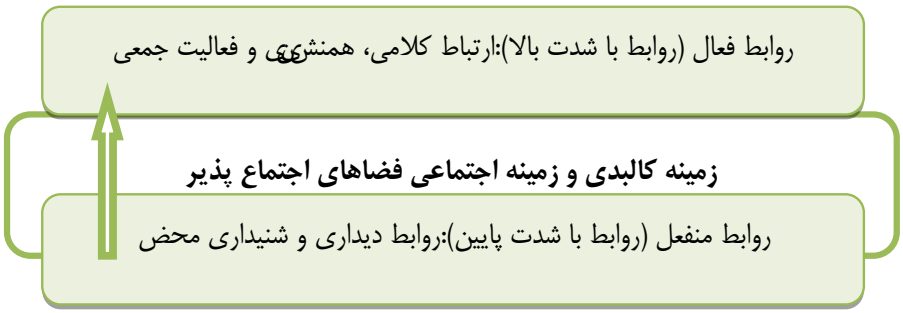

شکل ۱. رابطه زمینه اجتماعی زمینه کالبدی فضاهای اجتماع‌پذیر

دوم، ویژگی‌های یک فعالیت اجتماعی درگرو زمینه‌ای است که در آن روی می‌دهد. این زمینه را می‌توان به‌عنوان «عامل مؤثر بر تغییر رفتارها» به دو دسته عمده تقسیم کرد: زمینه کالبدی و زمینه اجتماعی. زمینه کالبدی مجموعه‌ای از هم سایگی‌ها، هم‌جواری‌ها و ساختار فیزیکی فضاها است و شامل تعدادی از افراد می‌شود که در آن حضور دارند. زمینه اجتماعی شامل گروه خاصی از مردم می‌شود که فرصت‌هایی را برای رخ دادن فعالیت‌های اجتماعی در فضاهای عمومی ایجاد می‌کنند. زمینه‌ها تأثیر مشخصی بر فعالیت های اجتماعی و الگوی رفتاری دارند (Gehl, : 197 2010). نوع، کیفیت و شدت فعالیت‌های اجتماعی بنا به زمینه‌ای که در آن رخ می‌دهند متفاوت خواهد بود و در طیفی از روابط با شدت ارتباط پایین و منفعل تا روابط با شدت ارتباط بالا ممکن است روی دهند (تصویر ۱).

فضای اجتماع‌پذیر و عوامل ادراکی _ذهنی

افراد محیط را در بسیاری از حالات با وجوه زیباشناسانه‌اش درک می‌کنند. کیفیت‌هایی که حاضران در فضا را به جستجوی کشف گوناگونی‌ها می‌کشاند، محیط را لذت‌بخش‌تر کرده و زمینه را برای شکل‌گیری فعالیت ها و تعاملات اجتماعی پویا مهیا می سازد (رفیعیان، ۱۳۸۸: ۲۳۴). استفاده از عناصری که منجر به حس تعلق و ایجاد تجربه‌های به‌یادماندنی و خاطره‌انگیز می شوند، نه‌تنها بر زیبایی مکان می‌افزایند بلکه منجر به خوانایی فضایی نیز می‌شوند. ایجاد برنامه‌ای برای افزایش احساس بزرگی و رقابت اجتماعی نیازمند نظارت و امنیت و هماهنگی در ایجاد ارتباطی معنادار با محیط است (قلمبردزفولی و نقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۸). بنابراین می‌توان عواملی چون تعاملات اجتماعی، حضورپذیری مردم، امنیت و خاطره‌انگیزی در فضا را بر ابعاد ادراکی ذهنی فضا تأثیرگذار دانست (Montgomery, 1998: 93; Canter, 1977: 105; Relph, 1976: 43).

تعاملات اجتماعی در فضا

انسان‌ها به‌واسطه ماهیت اجتماعی زندگی شان، نیازمند برقراری روابط اجتماعی مثبت با دیگر همنوعان‌شان هستند. بنابراین زمانی که گروهی از افراد در یک محیط گرد هم می‌آیند، با برقراری تماس‌های مستقیم با یکدیگر بخشی از نیازهای اجتماعی خود را تأمین می‌نمایند که این امر منجر به شکل‌گیری تصویر ذهنی مطلوبی از پویایی، سرزندگی و هیجان از آن فضا در ذهنشان می‌شود. این موضوع در نهایت منجر به تداوم اجتماع‌پذیری در فضا خواهد شد (Whyte, 1980: 163).

حضورپذیری مردم در فضا

فضایی اجتماع‌پذیر است که بتواند اجتماعات مردمی را در کلیه ساعات شبانه‌روز و به صورت طولانی‌مدت ایجاد نماید. چنین فضایی هم امکان برخورد و روابط اجتماعی را به همراه دارد و هم زمینه‌ساز تجربه‌اندوزی، مبادله احساس، اندیشه و ... می‌شود (بختیار، ۱۳۸۹: ۱۱۵). بنابراین حضورپذیری مردم در فضا، تأثیر زیادی بر ایجاد تصویر ذهنی مثبت از فضا و در نتیجه اجتماع‌پذیر شدن آن دارد.

امنیت در فضا

امنیت به مفهوم رهـایی انسـان از اضـطراب، بـیم و خطـر است. اگر محیط این احســاس را در فرد ایجاد نماید که جان، مال و یا ســلامتی وی به هیچ دلیلی به مخاطره نمی‌افتد، در آن فضــا احســاس امنیت نموده و تصــویر مثبتی از آن در ذهنش ایجاد می‌شود. بنابراین زمینه اجتماع‌پذیر شدن فضا به شکل مناسب‌تری فراهم می‌آید (گروسی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۹).

خاطره انگیزی در فضا

خاطره می‌تواند فردی یا جمعی باشــد. خاطرات جمعی وقایعی هستند که به‌واسطه یک گروه از افراد به یاد آورده می‌شوند و خود آن ها در ســاختن و شــکل دادن به آن خاطره نقش دارند (میرمقتدایی، ۱۳۸۸: ۸). بنابراین خاطره دارای محتوای اجتماعی اسـت و اغلب در حضـور دیگران و در محل زندگی جمعی شـکل می‌گیرد (Lewicka, 2008: 54)، خاطره‌انگیز بودن یک فضـا می‌تواند عاملی در جهت تبدیل آن به یک محیط اجتماع‌پذیر گردد و برعکس.

فضای اجتماع‌پذیر و عوامل کالبدی

ویژگی‌های کالبدی یک محیط، وجوه عینی آن محیط بوده و تأثیر زیادی بر هدایت نظام‌های فعالیتی و نیز وجوه ذهنی- ادراکی آن دارند. انعکاس فضایی این ویژگی‌ها می‌تواند باعث تقویت بعضی فعالیت‌ها و ممانعت از برخی دیگر و نیز باعث ایجاد تصـویر مثبت و یا منفی از یک فضـا در ذهن افراد شـود (Gibson, 1979: 63). بنابه موارد عنوان شده در جدول ۱، پارامترهای کالبدی مؤثر بر اجتماع پذیری فضـــا های جمعی شـــا مل چهار ویژگی دسـترسـی‌پذیری، انعطاف‌پذیری، پیوسـتگی فضـا و نفوذپذیری هستند.

دسترسی‌پذیری

در دسترس بودن فضاهای عمومی از سه جنبه قابل بررسی است که شامل دسترسی فیزیکی، دسترسی بصری و دسترسی اجتماعی است (Carr, 1982: 126). منظور از دسترسی فیزیکی، داشتن بستر مناسب جهت دست‌یابی و حضور در فضا است. دسترسی بصری به موضوع دیده شدن فضا از محیط اطراف می‌پردازد و منظور از دسترسی اجتماعی، امکان سطح‌بندی فضا جهت حضور طیف‌های مختلف اجتماعی اســت (Van raaji, 1983: 43; Carr, et al, 1992: 97).

انعطاف‌پذیری

در معمـاری و طراحی محیط منظور از واژه انعطـاف‌پـذیری، سامان‌دهی فضا، ساخت و امکان تغییر آن در شرایط مختلف برای دست‌یابی به اهداف و کاربست‌های جدید است (عینی‌فر، ۱۳۸۲: ۶۶). بنابراین فضـــا های انعطاف پذیر، قابلیت تأمین ســطوح متنوع‌تری از نیازهای کاربران را داشـته و زمینه اجتماع‌پذیر شـدن آن را نیز افزایش می‌دهند.

پیوستگی فضایی

پیوسـتگی و انسـجام فضـاهای شـهری همواره به‌عنوان یکی از معیارهای اساسی در مطلوبیت و کیفیت فضاهای عمومی مطرح هســتند (یگانه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲). وجود پیوســتگی و یکپارچگی فضایی در یک فضای عمومی، علاوه بر این‌که کیفیت بصری مطلوبی به فضای مذکور اعطا می‌کند، زمینه حضور مردم و اجتماع‌پذیری آن را فراهم می‌آورد (Lynch, 1960: 68).

نفوذپذیری

در ساده‌ترین تعریف، منظور از نفوذپذیری، امکان ورود به فضا و یا رفتن از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر در فضا است. بنابراین مفهوم و کارکرد آن با امکان حرکت، جابجایی در فضـــا و نیز عمق میدان دید نسبت مستقیم دارد (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵).

در نهایت چارچوب مفهومی در ارتباط با تأثیر ســـه نظام فعالیتی، ادراکی و کالبدی بر اجتماع‌پذیری فضـــاهای عمومی به شرح زیر تدوین گردید:

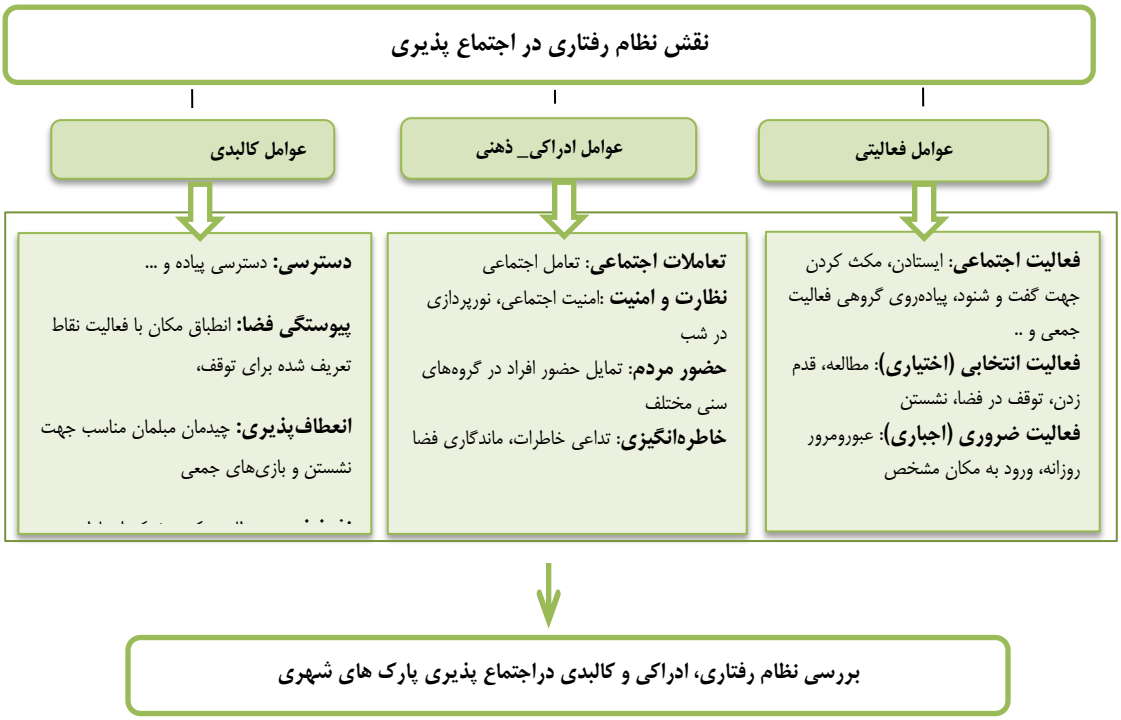

شکل ۲. چارچوب مفهومی پژوهش

روش انجام پژوهش

همان‌گونه که پیش از این نیز عنوان شد، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقش الگوهای فعالیتی در شکل‌گیری فضاهای اجتماع‌پذیر در بستر فضاهای باز شهری و نیز بررسی نقش عوامل کالبدی و عوامل ذهنی ادراکی در تحقق این مهم است. به همین منظور با استفاده از یک پژوهش میدانی و با رویکرد پیمایشی، پارک به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شد و از میان پارک‌های مختلف موجود در شهر شیراز، پارک آزادی به‌عنوان بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین پارک در نظر گرفته شد که دارای کارکردی در مقیاس شهری بوده و در سال ۱۳۴۵ در زمینی به وسعت بیش از ۲۰۰ هزار مترمربع در شمال شیراز ساخته شد. تنوع فضایی و نیز تنوع کاربری‌های موجود در آن در کنار موقعیت استقرار مناسب آن در شهر، امکان استفاده از آن را برای طیف‌های مختلف سنی و جنسیتی فراهم آورده است. از جمله کاربری‌های موجود در آن می‌توان به مجتمع فرهنگی مذهبی، تالار اجتماعات، تالار نمایش، شهربازی، غرفه‌های خوراکی و صنایع‌دستی، دریاچه مصنوعی، المان و پارکینگ اشاره نمود. این پارک از شرق به خیابان سمیه، از غرب به خیابان آزادی و میدان آزادی، از شمال به بلوار آزادی و از جنوب به خیابان مشکین فام محدود می‌شود. با توجه به اهداف پژوهش، فرایند انجام پژوهش در قالب چهار گام به شرح زیر تنظیم گردید:

گام اول: تقسیم پارک به پنج منطقه جغرافیایی و معرفی ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و ذهنی ادراکی هر منطقه؛

گام دوم: ارزیابی مناطق پنج‌گانه براساس میزان اجتماع‌پذیری تحقق‌یافته؛

گام سوم: ارزیابی کمی و کیفی هرکدام از مناطق پنج‌گانه براساس پارامترهای سه‌گانه کالبدی، اجتماعی و ذهنی ادراکی؛

گام چهارم: تحلیل نقش نظام‌های فعالیتی در اجتماع‌پذیری مناطق مختلف پارک.

در این پژوهش به‌منظور تدوین چارچوب نظری از روش کتابخانه‌ای و بنا به ضرورت، از تدابیر کیفی و کمی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه محقق ساخته، مصاحبه با مخاطبان فضا و مشاهدات میدانی بود که به ثبت رفتارها و فعالیت‌های معمول در بخش‌های مختلف پارک منجر شد.

مشاهدات از رفتارهای استفاده‌کنندگان در سطح پارک، در یک بازه سه ماهه در فصل تابستان (به دلیل افزایش استفاده‌پذیری پارک) صورت گرفت. این مشاهدات روزانه از ساعت ۷ صبح الی ۲۳ شب در بازه‌های زمانی دوساعته در

روزهای مختلف هفته انجام شد و به این ترتیب نظام‌های رفتاری از ساعات آغازین استفاده از پارک (ورزش فردی و گروهی صبحگاهی) تا ساعات پایانی شب (نشستن خانواده‌ها به‌منظور خوردن شام) در این پیمایش مورد برداشت قرار گرفت. پرسشنامه نیز به روش محقق‌ساخته و در دو بخش باز و بسته تنظیم شد که در بخش سؤالات باز به صورت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بخش سؤالات بسته به طرح گویه‌هایی با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت، به استخراج جزئیات فضاهای باز و کارکردهای مختلف آن‌ها در ارتباط با شاخص‌های موردنظر پرداخته شد. ضریب آلفای کرونباخ در ارتباط با این پرسشنامه، مقدار ۰/۸۶ به‌دست آمد که نشان از پایایی بالای پرسشنامه داشت. پرسشنامه‌ها پس از گردآوری در محیط نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت که در این خصوص از آزمون‌های توکی و آنووا استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش نیز استفاده‌کنندگان پارک آزادی شیراز بودند که براساس فرمول کوکران تعداد ۲۸۴ نفر تعیین شد. بر این اساس دیاگرام فرایند پژوهش به این صورت است:

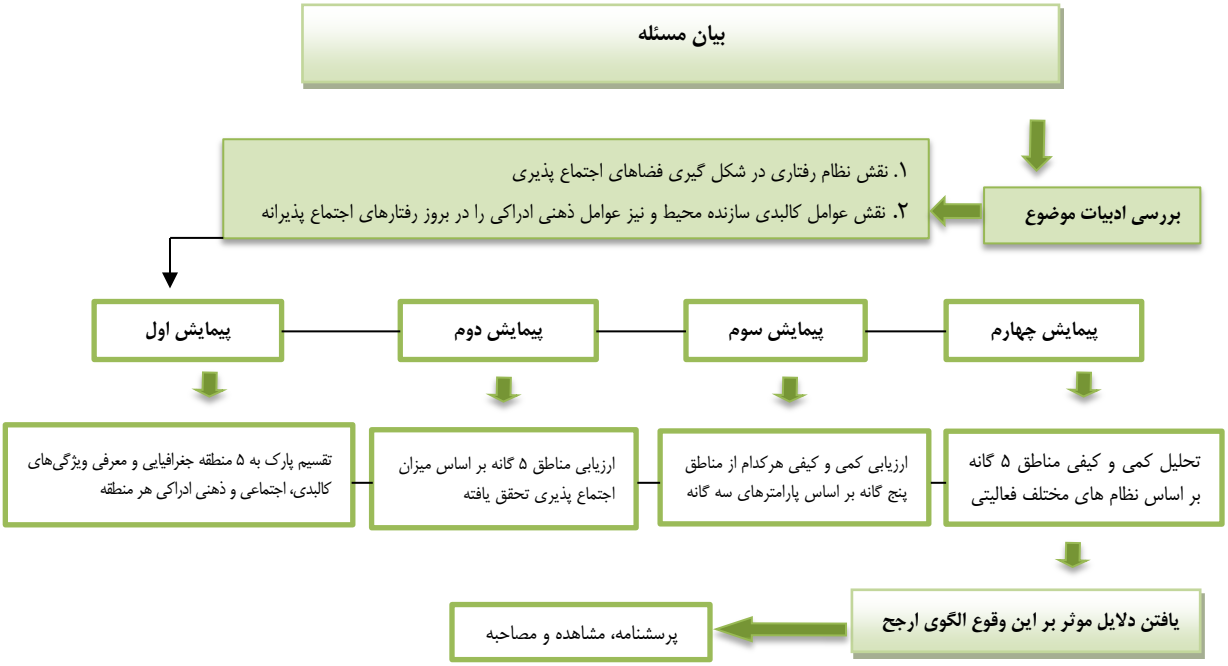

شکل ۳. دیاگرام فرایند تحقیق

یافته‌ها

براساس آنچه در روش پژوهش عنوان شد، فرایند انجام پژوهش حاضر در چهار گام تعریف شده است که در این بخش به تحلیل هرکدام از آن‌ها براساس نتایج پرسشنامه و مصاحبه و مشاهدات صورت گرفته از نمونه موردی پرداخته می‌شود.

گام اول: تقسیم پارک به پنج منطقه جغرافیایی و معرفی ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و ذهنی ادراکی هر منطقه؛

به‌منظور تحلیل دقیق‌تر ساختار فضایی پارک و نیز ثبت احساسات و رفتارهای مختلف استفاده‌کنندگان از آن، محدوده پارک به پنج منطقه جغرافیایی تقسیم و در هر منطقه، ویژگی‌های کالبدی، ساختارهای اجتماعی استفاده‌کنندگان و نیز ابعاد ذهنی ادراکی آن‌ها نسبت به فضاهای پارک به تفکیک مورد بررسی قرار گرفت. در تصویر ۴، موقعیت جغرافیایی پنج منطقه در محدوده پارک و در جدول ۲، ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و ذهنی-ادراکی مربوط به هر منطقه به تفکیک ارائه شده است.

شکل ۴. تقسیم پارک به پنج منطقه جغرافیایی براساس نقشه پارک

جدول ۲. الف. معرفی ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و ذهنی ادراکی هر منطقه

منطقه	ویژگی‌های کالبدی	ویژگی‌های اجتماعی	ویژگی‌های ادراکی-ذهنی	تصویر
منطقه ۱	– تعریف شدن مناسب ورودی و دسترسی مناسب؛ – استفاده از هندسه‌های حرکتی در محوطه و عدم تعریف فضایی جهت مکث؛ – وجود پوشش گیاهی متنوع	– به دلیل وجود غرفه‌های فروشگاهی مستقر در محدوده، فضا از شلوغی و ازدحام بیش‌تری برخوردار است؛ – افراد از این فضا جهت عبور از پارک و دسترسی به کاربری‌های هم‌جوار استفاده می‌کنند؛	– امکان تجربه قلمروها یا فضاهای اطراف با حرکت در فضا؛ – ایجاد حس خاطره‌انگیزی در افراد؛ – افزایش احساس امنیت به دلیل وجود غرفه‌ها؛	
منطقه ۲	– تنوع المان‌های فیزیکی در محدوده؛ – دسترسی به مکان‌های خدماتی – تعریف نشدن ورودی فرعی باعث کاهش نفوذپذیری در این منطقه شده است؛ – عدم پیوستگی فضایی جهت حرکت در فضا	– وجود المان و آب‌نما – فضای بازی کودکان هم باعث حضور افراد در این منطقه شده است؛ – فضای باز جهت قدم زدن و فعالیت؛ – فضای تعریف شده جهت بازی کودکان؛	– وجود نقاط کنج و نقاط خارج از دید باعث ایجاد پاتوق‌های نامناسب شده است؛ – وجود درختان متراکم و نورپردازی نامناسب و نورپردازی در لابه‌لای شاخ و برگ درختان باعث کاهش تردد افراد و متروکه شدن فضا شده است	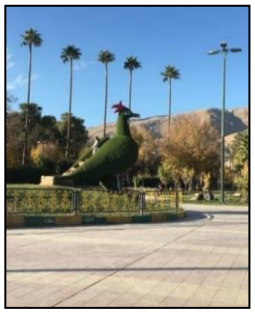

جدول ۲. ب. معرفی ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و ذهنی ادراکی هر منطقه

منطقه ۳	– استقرار یکی از ورودی‌های اصلی در این محدوده (ورودی غربی)؛ – افزایش نفوذپذیری به پارک از طریق وردی غربی به دلیل موقعیت مناسب آن نسبت به معابر هم‌جوار؛ – وجود فضای بازی کودکان و استفاده بیش‌تر کاربران مؤنث از این فضا؛	– وجود کاربری‌های جذاب (وسایل ورزشی، لانه پرندگان و محل بازی کودکان)، – افزایش اجتماع‌پذیری فضا؛ –گره‌ها، نقاط مشخص و تعریف شده مانند: غرفه‌های فروش صنایع‌دستی؛	– چشم‌اندازهای زیبا و بدون مزاحمت بصری؛ – سبز بودن و نظافت محیط – فعال بودن فضا؛ – وجود درختچه‌های بلند و غیر متراکم باعث ایجاد فضای راحت؛	
منطقه ۴	– لبه‌های با ارتفاع و پهنای مناسب نشستن و احساس در بین فضا بودن؛ – امکان تجربه قلمروها یا فضاهای اطراف لبه، وجود بهانه‌ای در خود لبه برای تأمل، درنگ و سپس تصمیم‌گیری به تغییر رفتار؛ – زنده بودن و جذابیت فضا، مشارکت مردم؛ – پرسه‌زنی و بازدید از فضا؛	– وجود مسجد و کتابخانه به‌عنوان گره تجمع پذیر و عنصر هویت‌بخش و خوانایی و خاطره جمعی مشترک – فضای فرهنگی، مذهبی به‌عنوان قرارگاه رفتاری مناسب – وجود سکوها و فضای سبز باعث نشستن و صحبت کردن و ایجاد تعاملات اجتماعی شده است	– امکان‌هایی برای دیدن و تجربه بصری – احساس امنیت: در مقیاس کلی محل نشستن از جرائم و خشونت‌ها امن باشد. – امکان تعاملات اجتماعی – ایجاد حس تعلق و خاطره‌انگیزی – نورپردازی مناسب و نظارت	
منطقه ۵	– امکان‌هایی برای نشستن و حرکت پیاده، پیوستگی فضا – دسترسی مناسب به سایر نقاط فضا. – امکان‌هایی برای بازی / آشکار شدن فعالیت‌ها بازی و سرگرمی؛ – تعبیه مبلمان‌های گروهی جهت افزایش تعاملات اجتماعی – زنده بودن و جذابیت فضا، مشارکت مردم، فعال بودن، نظارت‌پذیر بودن فضا، پرسه‌زنی و بازدید از فضا	– در این قسمت که شلوغ‌ترین پارک است، فعالیت‌هایی چون گفت‌وشنود با یکدیگر بازی و فعالیت‌های جمعی مانند والیبال، شطرنج، دوچرخه‌سواری، گپ زدن و ... در فضایی نسبتاً وسیع که دارای پوشش گیاهی در مرز فضا و آب‌نمای بزرگی است، روی می‌دهد.	– امکان‌هایی برای دیدن و تجربه بصری – شدت پایین نویز؛ – وجود عناصر طبیعی مانند درختان، گیاهان و آب؛ – مکان‌های امن در برابر تصادفات و جرائم؛ – راحتی و آسایش: جای نشستن در معرض شرایط نامساعد جوی و آلودگی‌های محیطی نباشد و در عین حال بتواند امکان استفاده کاربران از آب‌وهوای مطلوب طبیعی را تأمین کند؛	

گام دوم: ارزیابی مناطق پنج‌گانه براساس میزان اجتماع‌پذیری تحقق‌یافته

در این بخش وضعیت اجتماع‌پذیری در هر منطقه مشخص شد که میانگین عددی آن به تفکیک هر منطقه در جدول ۳، ارائه شده است.

جدول ۳. میانگین اجتماع‌پذیری در پنج فضا از پارک

	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵
میانگین اجتماع‌پذیری	۱/۹۳	۲/۵۴	۲/۹۳	۳/۲۲	۳/۶۸

با توجه به وجود تفاوت در مقادیر میانگین‌های اکتسابی در مناطق مختلف، به بررسی معناداری این تفاوت‌ها پرداخته می‌شود. به همین منظور از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه، استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول ۴، ارائه شده است. همان‌گونه که داده‌ها نشان داد، سطح معنادار در آزمون مذکور، مقدار ۰/۰۰ به‌دست آمده است که این موضوع مؤید وجود تفاوت در ارتباط با اجتماع‌پذیری مناطق مختلف است.

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه جهت همگنی واریانس‌های اجتماع‌پذیری

متغیر وابسته		مجموع مربعات	میانگین مربعات	تحلیل واریانس	سطح معناداری
اجتماع‌پذیری	بین آزمودنی‌ها	۴۹/۴۳	۱۲/۳۵	۳۲۲/۴۰	۰/۰۰
	درون آزمودنی‌ها	۵/۱۷	۰/۰۳۸		

به‌منظور تشخیص مشابهت و یا تفاوت مناطق مختلف از نظر وضعیت اجتماع‌پذیری در آن‌ها، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵، ارائه شده است. با توجه به نتایج این آزمون مشاهده می‌شود که اجتماع‌پذیری در منطقه ۱ و ۲ با مناطق ۳، ۴ و ۵ و اجتماع‌پذیری در مناطق ۴ و ۵ با مناطق ۱، ۲ و ۳ دارای تفاوت معنادار می‌باشد. این موضوع مؤید وجود تشابه در برخی ویژگی‌های مناطق ۱ و ۲ و نیز ۴ و ۵ با یکدیگر است. از سویی داده‌های جدول ۳، نیز نشان دهنده این موضوع است که میزان اجتماع‌پذیری در مناطق ۱ و ۲ در کم‌ترین حد و در مناطق ۴ و ۵، در بیش‌ترین میزان ممکن است. این موضوع در مشاهدات میدانی که توسط محقق انجام گرفت نیز به‌وضوح مشخص بود. به نحوی که در نقشه تهیه شده با استفاده از نرم‌افزار Arc GIS، تفاوت اجتماع‌پذیری در مناطق مورد بررسی نیز به‌وضوح مشخص است (تصویر ۵).

جدول ۵. نتایج مقایسه چندگانه آزمون تعقیبی توکی در آزمون تحلیل واریانس

		منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵
منطقه ۱	**سطح معناداری**		۰/۵۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها	تفاوت معنادار در اجتماع‌پذیری با منطقه ۳ و ۴ و ۵	−۰/۶۰	−۱/۰۰*	−۱/۲۹*	−۱/۷۵*
	حد پایین		−۰/۷۵	−۱/۱۴	−۱/۴۴	−۱/۹۰
	حد بالا		−۰/۴۶	−۰/۸۵	−۱/۱۴	−۱/۶۱
منطقه ۲	**سطح معناداری**	۰/۵۳		۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها	۰/۶۰	تفاوت معنادار در اجتماع‌پذیری با منطقه ۳ و ۴ و ۵	−۰/۳۹*	−۰/۶۸*	−۱/۱۴*
	حد پایین	۰/۴۶		−۰/۵۳	−۰/۸۳	−۱/۲۹
	حد بالا	۰/۷۵		−۰/۲۵	−۰/۵۳	−۱/۰۰
منطقه ۳	**سطح معناداری**	۰/۰۰	۰/۰۰		۰۰/۰۰	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها	۱/۰۰*	۰/۳۹*	تفاوت معنادار در اجتماع‌پذیری با منطقه ۱ و ۲ و ۴ و ۵	−۰/۲۹*	−۰/۷۵*
	حد پایین	۰/۸۵	۰/۲۵		−۰/۴۳	−۰/۸۹
	حد بالا	۱/۱۴	۰/۵۳		−۰/۱۴	−۰/۶۱
منطقه ۴	**سطح معناداری**	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰		۰/۶۲
	تفاوت میانگین‌ها	۱/۲۹*	۰/۶۸*	۰/۲۹*	تفاوت معنادار در اجتماع‌پذیری با منطقه ۱ و ۲ و ۳	−۰/۴۶
	حد پایین	۱/۱۴	۰/۵۳	۰/۱۴		−۰/۶۰
	حد بالا	۱/۴۴	۰/۸۳	۰/۴۳		−۰/۳۱
منطقه ۵	**سطح معناداری**	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۶۲	
	تفاوت میانگین‌ها	۱/۷۴*	۱/۱۴*	۰/۷۵*	۰/۴۶	تفاوت معنادار در اجتماع‌پذیری با منطقه ۱ و ۲ و ۳
	حد پایین	۱/۶۱	۱/۰۰	۰/۶۱	۰/۳۱	
	حد بالا	۱/۹۰	۱/۲۹	۰/۸۹	۰/۶۰	

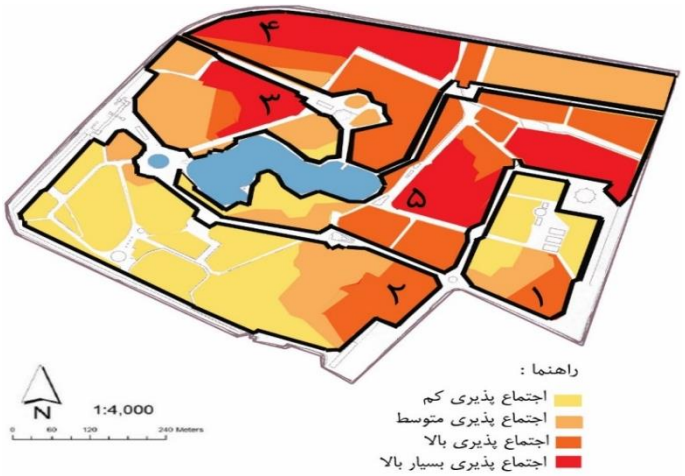

شکل ۵. نقشه پهنه‌بندی فضاهای اجتماع‌پذیر در پارک آزادی شیراز

گام سوم: ارزیابی مناطق پنج‌گانه براساس پارامترهای سه‌گانه کالبدی، اجتماعی و ذهنی ادراکی

پس از تعیین بیش‌ترین و کم‌ترین مناطق اجتماع‌پذیر در سطح پارک، در این بخش به تحلیل ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و ذهنی- ادراکی این مناطق به‌منظور فهم عوامل مؤثر بر این موضوع پرداخته می‌شود. به همین منظور ابتدا همبستگی میان ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و ذهنی-ادراکی پارک و اجتماع‌پذیری آن مورد بررسی قرار می‌گیرد که نتایج آن در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	میزان همبستگی	سطح معناداری	میانگین متغیرها
اجتماع‌پذیری فضا	**الگوی فعالیتی**	۰/۹۶**	۰/۰۰	۳/۴۲
	الگوی ادراکی- ذهنی	۰/۷۵**	۰/۰۰	۲/۷۱
	الگوی کالبدی	۰/۴۹**	۰/۰۰	۱/۸۷

داده‌های به‌دست آمده از جدول حاکی از آن است که سطح معناداری در رابطه همبستگی میان سه متغیر فعالیتی، ادراکی-ذهنی و کالبدی با میزان اجتماع‌پذیری کم‌تر از ۰/۰۵ است که این موضوع نشان دهنده وجود یک رابطه همبستگی قوی میان این سه متغیر و عامل اجتماع‌پذیری در پارک شهری است. با این حال با بررسی میانگین متغیرها در آزمون فوق، این موضوع نیز قابل برداشت است که عوامل فعالیتی با میزان همبستگی ۰/۹۶ و میانگین ۳/۴۲ بیش‌ترین تأثیر و عوامل کالبدی با میزان همبستگی ۰/۴۹ و میانگین ۱/۸۷ کم‌ترین تأثیر را در اجتماع‌پذیری افراد دارد. این موضوع در ارتباط با تک‌تک مناطق نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتایجی مشابه به‌دست آمد.

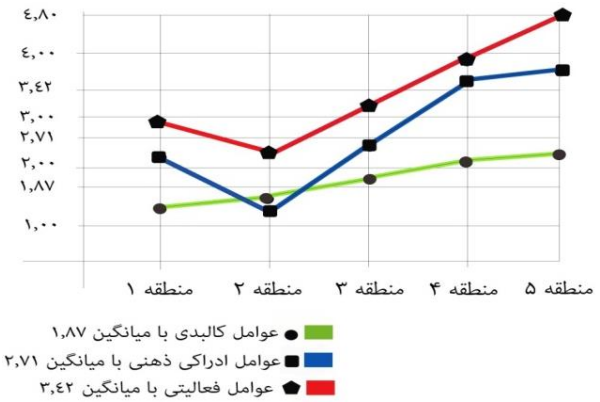

شکل ۶. نمودار چگونگی تأثیرگذاری پارامترهای سه‌گانه کالبدی، اجتماعی و ذهنی ادراکی در هر منطقه

همان‌گونه که در نمودار چگونگی تأثیرگذاری پارامترهای سه‌گانه کالبدی، اجتماعی و ذهنی ادراکی در هر منطقه مشخص است، در تمام مناطق پنج‌گانه، عامل فعالیتی بیش‌ترین تأثیر را در اجتماع‌پذیری داشته که در این میان مناطق ۵ و ۴، از بیش‌ترین مقدار و مناطق ۲ و ۱، از کم‌ترین میزان تأثیرگذاری برخوردار هستند. در مقابل عوامل کالبدی نیز کم‌ترین تأثیر را در تمام مناطق (جز منطقه ۲) در اجتماع‌پذیری فضایی داشته است.

بنابراین با توجه به یافته‌های این بخش و نیز یافته‌های گام دوم مبنی بر وجود مشابهت در ویژگی‌های فضایی مناطق ۴ و ۵ و نیز مناطق ۱ و ۲، عوامل اجتماعی بیش‌ترین تأثیر را در اجتماع‌پذیر شدن فضاهای باز در پارک داشته که در ادامه به بررسی عوامل مؤثر بر این تفاوت‌ها و شباهت‌ها و نیز چگونگی تأثیرپذیری اجتماع‌پذیری فضایی از عوامل اجتماعی پرداخته می‌شود.

گام چهارم: تحلیل نقش نظام‌های فعالیتی در اجتماع‌پذیری مناطق مختلف پارک

عوامل اجتماعی دارای ابعاد مختلفی هستند که مهم‌ترین آن‌ها، نظام‌های فعالیتی جاری در یک محیط جمعی می‌باشد. این عامل نمود عینی هنجارهای اجتماعی حاکم بر یک محیط بوده و در قالب الگوهای رفتاری تجلی می‌یابد. بنابراین جو اجتماعی حاکم بر یک محیط می‌تواند در قالب انواع نظام‌های فعالیتی و چگونگی انجام آن‌ها نمود یابد. از سویی نظام‌های فعالیتی در قالب سه دسته فعالیت‌های اجباری، اختیاری و اجتماعی قابل دسته‌بندی هستند که در محیط‌های مختلف و بسته به جو اجتماعی حاکم بر آن محیط، در سطوح مختلفی نمود می‌یابند. بنابراین می‌توان چنین برداشت نمود که هنجارهای اجتماعی حاکم بر یک محیط می‌تواند بر گرایش به انجام برخی فعالیت‌ها و ممانعت از انجام برخی دیگر از فعالیت‌ها در یک محیط جمعی تأثیرگذار باشد. با این توضیح در این بخش از پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که تمایل به اجتماع‌پذیری در بخش‌هایی از یک پارک شهری و عدم تمایل به این موضوع در بخش‌های دیگری از آن، چگونه می‌تواند متأثر از انواع فعالیت‌های جاری در آن باشد و نیز انواع نظام‌های فعالیتی به‌عنوان نمود عینی ابعاد اجتماعی محیط، چگونه می‌توانند باعث اجتماع‌پذیر و یا اجتماع‌گریز شدن محیط‌های مختلف در سطح یک پارک شهری شوند.

با توجه به این‌که عوامل اجتماعی در این تحقیق در قالب نظام‌های فعالیتی مورد بررسی قرار می‌گیرند، لذا بر اساس فرضیه مطروحه در این خصوص، می‌توان تمایل به افزایش اجتماع‌پذیری در بخش‌هایی از پارک و عدم تمایل به این موضوع در بخش‌های دیگری از آن را در تفاوت در انواع رفتارهایی دانست که در نقاط مختلف پارک به انجام می‌رسند. با توجه به این‌که نظام‌های فعالیتی در قالب سه گونه فعالیت‌های اجباری، اختیاری و اجتماعی قابل دسته‌بندی هستند، لذا نخستین مرحله در این گام، بررسی معناداری اختلاف میانگین انواع فعالیت‌ها در سطح مناطق مختلف پارک است. بنابراین از آزمون تحلیل واریانس، برای این منظور استفاده شده که نتایج آن در قالب جدول ۷، ارائه شده است.

جدول ۷. آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه میان شاخص‌های فعالیتی

متغیر وابسته		مجموع مربعات	تفاوت میانگین‌ها	تحلیل واریانس	سطح معناداری
فعالیت اختیاری	بین آزمودنی‌ها	۵۰/۰۵	۱۲/۵۱	۹۵/۲۹	۰/۰۰
	درون آزمودنی‌ها	۱۷/۷۲	۰/۱۳۱		
فعالیت اجتماعی	بین آزمودنی‌ها	۴۱/۵۳	۱۰/۳۸	۶۴/۰۷	۰/۰۰
	درون آزمودنی‌ها	۲۱/۸۷	۰/۱۶۲		
فعالیت‌های اجباری	بین آزمودنی‌ها	۴۷/۲۴	۱۱/۲۵۴	۷۸/۳۷	۰/۰۰
	درون آزمودنی‌ها	۱۹/۰۰۵	۰/۱۴۸		

با توجه به نتایج جدول۷، مشاهده می‌شود که سطح معناداری در این آزمون کم‌تر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. این موضوع نشان دهنده وجود تفاوت معنادار در تمایل به انجام انواع فعالیت‌های اجباری، اختیاری و اجتماعی در مناطق مختلف پارک است. به بیانی دیگر با توجه به نتایج آزمون فوق می‌توان چنین برداشت کرد که تمایل به انجام انواع فعالیت‌ها در مناطق مختلف متفاوت از یکدیگر است.

بنابراین به‌منظور فهم این موضوع که در هرکدام از مناطق پنج‌گانه، تمایل به انجام کدام نوع فعالیت‌ها بیش‌تر است، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است که نتایج آن در ارتباط با هرکدام از انواع فعالیت‌ها به تفکیک در جدول۸، آورده شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مناطق ۱ و ۲ دارای تفاوت معنادار با دیگر مناطق هستند که احتمالاً فضای این مناطق دارای مشابهت‌هایی است که سبب شده میزان فعالیت‌های اجباری کاربران در این فضاها مشابه باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که فعالیت‌های اجباری در مناطق ۱ و ۲ بیش‌تر است. بر این اساس، در ادامه به بررسی عوامل مؤثر بر تغییر میزان فعالیت‌های اجباری در این مناطق می‌پردازیم.

جدول ۸. نتایج مقایسه چندگانه آزمون تعقیبی در آزمون تحلیل واریانس در مورد فعالیت‌های اجباری

		منطقه ۵	منطقه ۴	منطقه ۳	منطقه ۲	منطقه ۱
منطقه ۱	**سطح معناداری**	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۴	تفاوت معنادار در فعالیت اجباری با منطقه ۳ و ۴ و ۵
	تفاوت میانگین‌ها	-۱/۷۴*	-۱/۲۴*	-۰/۵۸*	-۰/۹۰	
	حد پایین	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۷۴	-۱/۰۶	
	حد بالا	-۱/۵۷	-۱/۰۶	-۰/۴۱	۰/۰۷۴	
منطقه ۲	**سطح معناداری**	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۰	تفاوت معنادار در فعالیت اجباری با منطقه ۳ و ۴ و ۵	۰/۷۴
	تفاوت میانگین‌ها	-۱/۱۶*	-۰/۶۶*	-۰/۳۲*		۰/۹۰
	حد پایین	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰		۰/۴۱
	حد بالا	۰/۹۹	۰/۴۸	۰/۱۶		۰/۰۷۴
منطقه ۳	**سطح معناداری**	۰/۰۰	۰۰/۰۰	تفاوت معنادار در فعالیت اجباری با منطقه ۱ و ۲ و ۴ و ۵	۰/۰۰	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها	-۰/۸۴*	-۰/۳۳*		۰/۳۲*	۰/۵۸*
	حد پایین	۰/۰۰	۰/۰۰		۰/۰۰	-۰/۰۷۴
	حد بالا	-۰/۶۸	-۰/۱۷		۰/۴۸	۱/۰۶
منطقه ۴	**سطح معناداری**	۰/۰۲	تفاوت معنادار در فعالیت اجباری با منطقه ۱ و ۲ و ۳ و ۵	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها	-۰/۵۰*		۰/۳۳*	۰/۶۶*	۱/۲۴*
	حد پایین	-۰/۶۷		۰/۰۰	-۰/۴۸	۰/۰۷۴
	حد بالا	۰/۱۷		۰/۵۰	۰/۰۰	۱/۴۱
منطقه ۵	**سطح معناداری**	تفاوت معنادار در فعالیت اجباری با منطقه ۱ و ۲ و ۳ و ۴	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۵	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها		۰/۵۰*	۰/۸۴*	۱/۱۶*	۱/۷۴*
	حد پایین		-۰/۱۷	۰/۰۰	-۰/۹۹	۰/۰۷۴
	حد بالا		۰/۶۷	۱/۰۰	۱/۱۶	۱/۹۱

براساس نتایج به‌دست آمده در جدول ۹ چنین برداشت می‌شود که میزان فعالیت‌های اختیاری در پنج منطقه مورد بررسی دارای تفاوت معنادار با یکدیگر است.

جدول ۹. نتایج مقایسه چندگانه آزمون تعقیبی توکی در آزمون تحلیل واریانس در مورد فعالیت‌های اختیاری

		منطقه ۵	منطقه ۴	منطقه ۳	منطقه ۲	منطقه ۱
منطقه ۱	**سطح معناداری**	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	تفاوت معنادار در فعالیت اختیاری با منطقه ۲ و ۳ و ۴ و ۵
	تفاوت میانگین‌ها	-۱/۷۶*	-۱/۲۹*	-۱/۰۷*	-۰/۶۲*	
	حد پایین	-۲/۰۳	-۱/۵۷	-۱/۳۴	-۰/۸۹	
	حد بالا	-۱/۴۹	-۱/۰۲	-۰/۸۱	-۰/۳۵	
منطقه ۲	**سطح معناداری**	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	تفاوت معنادار در فعالیت اختیاری با منطقه ۱ و ۳ و ۴ و ۵	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها	-۱/۱۴*	-۰/۶۷*	-۰/۴۵*		۰/۶۲*
	حد پایین	-۱/۴۰	-۰/۹۵	-۰/۷۱		۰/۳۵
	حد بالا	-۰/۸۷	-۰/۳۹	-۰/۱۹		۰/۸۹
منطقه ۳	**سطح معناداری**	۰/۱۵۸	۰/۰۶	تفاوت معنادار در فعالیت اختیاری با منطقه ۱ و ۲	۰/۰۰	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها	-۰/۲۲	-۰/۶۸		۰/۴۵*	۱/۰۷*
	حد پایین	-۰/۴۸	-۰/۹۴		۰/۱۹	۰/۸۱
	حد بالا	۰/۰۴	۰/۴۲		۰/۷۱	۱/۳۴
منطقه ۴	**سطح معناداری**	۰/۰۷۱	تفاوت معنادار در فعالیت اختیاری با منطقه ۱ و ۲	۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها	-۰/۴۶		۰/۶۸	۰/۶۷*	۱/۲۹*
	حد پایین	-۰/۷۳		-۰/۴۲	-۰/۳۹	۱/۰۲
	حد بالا	۰/۱۹		۰/۹۴	۰/۹۵	۱/۵۷
منطقه ۵	**سطح معناداری**	تفاوت معنادار در اجتماع‌پذیری در منطقه ۱ و ۲	۰/۰۷۱	۰/۱۵۸	۰/۰۰	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها		۰/۴۶	۰/۲۲	۱/۱۴*	۱/۷۶*
	حد پایین		-۰/۱۹	-۰/۰۴	۰/۸۷	۱/۴۹
	حد بالا		۰/۷۳	۰/۴۸	۱/۴۰	۲/۰۳

جهت بررسی تفاوت هریک از مناطق مورد بررسی با دیگر مناطق از آزمون تعقیبی Tukey استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که فعالیت‌های اختیاری در مناطق ۳ و ۴ و ۵ بیش‌تر است. لذا این پژوهش در ادامه به بررسی عوامل مؤثر که سبب افزایش میزان فعالیت‌های اختیاری در این مناطق شده است، می‌پردازد.

جدول ۱۰. نتایج مقایسه چندگانه آزمون تعقیبی توکی در آزمون تحلیل واریانس. فعالیت‌های اجتماعی در مناطق پنج‌گانه

		منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵
منطقه ۱	**سطح معناداری**		۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها	تفاوت معنادار در فعالیت اجتماعی با منطقه ۲ و ۳ و ۴ و ۵	−۰/۶۳*	−۰/۹۰*	−۱/۲۴*	−۱/۶۱*
	حد پایین		−۰/۹۳	−۱/۱۹	−۱/۵۵	−۱/۹۱
	حد بالا		−۰/۳۳	−./۶۱	−۰/۹۳	−۱/۳۱
منطقه ۲	**سطح معناداری**	۰/۰۰	تفاوت معنادار در فعالیت اجتماعی با منطقه ۱ و ۳ و ۴ و ۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها	۰/۶۳*		−۰/۵۴*	−۰/۶۱*	−۰/۹۷*
	حد پایین	۰/۳۳		−۰/۵۶	−۰/۹۲	−۱/۲۷
	حد بالا	۰/۹۳		−۰/۰۲	−۰/۳۰	−۰/۶۸
منطقه ۳	**سطح معناداری**	۰/۰۰	۰/۰۰	تفاوت معنادار در فعالیت اجتماعی با منطقه ۱ و ۲ و ۴ و ۵	۰/۰۱۶	۰/۰۰
	تفاوت میانگین‌ها	۰/۹۰*	۰/۵۴*		−۰/۳۴*	−۰/۷۰*
	حد پایین	۰/۶۱	−۰/۰۲		−۰/۶۳	−۰/۹۹
	حد بالا	۱/۱۹	۰/۵۶		−۰/۰۴	−۰/۴۲
منطقه ۴	**سطح معناداری**	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱۶	تفاوت معنادار در فعالیت اجتماعی با منطقه ۱ و ۲ و ۳	۰/۱۰
	تفاوت میانگین‌ها	۱/۲۹*	۰/۶۷*	۰/۲۲*		−۰/۴۶
	حد پایین	۱/۰۲	−۰/۳۹	−۰/۰۴		−۰/۷۳
	حد بالا	۱/۵۷	۰/۹۵	۰/۴۸		−۰/۱۹
منطقه ۵	**سطح معناداری**	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۰	
	تفاوت میانگین‌ها	۱/۶۱*	۰/۹۷*	۰/۷۰*	۰/۴۶	تفاوت معنادار در فعالیت اجتماعی با منطقه ۱ و ۲ و ۳
	حد پایین	۱/۳۱	۰/۶۸	۰/۴۲	۰/۱۹	
	حد بالا	۱/۹۱	۱/۲۷	۰/۹۹	۰/۷۳	

نتایج آزمون تعقیبی توکی در مورد فعالیت‌های اجتماعی نشان می‌دهد که فضای ۴ و ۵ دارای تفاوت با بقیه فضاها هستند که احتمالاً این فضاها دارای ویژگی‌های مشترکی با یکدیگر هستند که سبب ایجاد این تفاوت‌ها شده است. بر این اساس در مناطق ۴ و ۵ فعالیت‌های اجتماعی بیش‌تر احساس می‌شود. به همین دلیل اجتماع‌پذیری بالاتر است. لذا این پژوهش در ادامه به بررسی عوامل مؤثری می‌پردازد که سبب افزایش میزان فعالیت‌های اجتماعی در این مناطق شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر، بررسی نقش نظام‌های رفتاری در اجتماع‌پذیری پارک‌های شهری (پارک آزادی شیراز) بود. با توجه به تحلیل‌های انجام شده، مشاهدات و نیز مصاحبه‌های صورت گرفته با کاربران فضا، موارد زیر قابل توجه هستند:

مناطق ۱ و ۲ پارک به دلیل قرارگیری در مجاورت خیابان‌های اطراف و کاربری‌های موجود در آن‌ها مانند مدرسه، مغازه‌های تجاری، هتل و ادارات، وقوع فعالیت‌های اجباری را تسهیل می‌نمایند. بنابراین افراد از این فضاها جهت عبور و دسترسی به این کاربری‌ها در ساعات خاصی از روز استفاده می‌نمایند و در مابقی ساعات شبانه‌روز، عموماً این مناطق بلااستفاده رها می‌شود. بنابراین اختلاط اجتماعی در این مناطق به‌ندرت دیده می‌شود. همچنین به دلیل نبود فضای مکث مناسب در این مناطق، نبود نظارت اجتماعی نسبت به این فضاها و کمبود امنیت به دلیل روشنایی کم در شب، این فضاها را به پاتوقی برای افراد نامناسب تبدیل کرده و لذا قابلیت اجتماع‌پذیری آن را به‌شدت کاهش داده و به تعبیری این مناطق به فضاهایی اجتماع‌گریز تبدیل شده‌اند.

منطقه ۳، فضای مناسبی جهت فعالیت‌های اختیاری است و به دلیل پتانسیل‌های موجود، ازجمله محوطه بازی بچه‌ها، فضایی جهت ورزش و نرمش، دسترسی مناسب به فضا، فضای سبز و آب‌نما و وسایل ورزشی مناسب (مخصوصاً برای خانم‌ها)، انجام فعالیت‌های اختیاری را تا حدی تشویق می‌نماید. اما علی‌رغم وجود فعالیت‌های اختیاری، فعالیت‌های اجتماعی چندانی در آن شکل نمی‌گیرد. از دلایل اصلی این موضوع می‌توان به عدم وجود فضاهای متنوع و ابعاد محدود فضا اشاره کرد که امکان تشکیل تجمعات را نمی‌دهد. همچنین عدم نظارت کافی بر فضا و نور نامناسب در شب از دیگر عوامل مؤثر بر این ادعا است.

مناطق ۴ و ۵، به دلیل وجود کاربری‌های مناسب مانند مجتمع فرهنگی و غرفه‌های فروش محصولات، زمینه‌ساز حضور بسیاری از افراد شده است. در این فضاها افرادی با دغدغه‌های اجتماعی مشترک وجود دارند که این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز فعالیت‌های اجتماعی در این فضا باشد. از جمله عواملی که کاربران فضا به آن اشاره می‌نمایند، گذران اوقات فراغت به شیوه‌های اجتماعی مانند نشستن و صحبت کردن با دوستان و قرار گذاشتن با آن‌ها، استراحت و آرامش، فعالیت اجتماعی (بازی و ورزش‌های گروهی) و تماشای مردم است. همچنین استقرار کانون‌های فرهنگی و مذهبی در این مناطق و امنیت، فضایی را فراهم آورده که این موضوع عامل مهمی جهت اجتماع‌پذیری آن‌ها در این پارک شده است. از سویی دیگر فضای باز و نیز وجود مبلمان‌های گروهی، حوض و آب‌نما و عناصری از این قبیل، تمایل به اجتماع‌پذیری در این مناطق را تا حد زیادی افزایش داده‌اند.

شکل ۷. گزارش عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضاهای مختلف پارک آزادی شیراز بر اساس بازدید نگارندگان

در این پژوهش، کارکرد اجتماع‌پذیری به‌واسطه الگوهای مختلف کالبدی، ادراکی – ذهنی و رفتاری به وقوع می‌پیوندد. بررسی، تحلیل و تفسیر الگوهای رفتاری (فعالیت‌های اجباری، اختیاری و اجتماعی)، الگوهای ادراکی– ذهنی و الگوهای کالبدی و شیوه سازمان‌دهی آن‌ها، رویکرد نظری پژوهش را به این رهیافت می‌رساند که تضادها، موانع و چالش‌های موجود در استفاده از فضاهای اجتماع‌پذیر ناشی از کارکرد ناقص و ناسازگار مؤلفه‌ها (فعالیت، ادراک، کالبد) با هم می‌باشد. بنابراین در کارکردی‌ترین حالت، همسازی به این‌گونه است که فعالیت‌ها به مدد عوامل کالبدی – محیطی که فضا در اختیار کاربران قرار می‌دهد و یا معانی ایجاد شده در محیط که توسط کاربران درک می‌شود، به وقوع می‌پیوندد. در حقیقت وجود پتانسیل مناسب در فضا به کاربران امکان انجام فعالیت‌های مختلف را می‌دهد.

در این میان فعالیت‌های اختیاری و به‌ویژه اجتماعی یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها در این فضاها است و کاربران بر اساس نیازها و باورهایشان در حضور دیگران از فضا استفاده می‌کنند، به‌طوری‌که در ساده‌ترین حالت آن‌ها در فضا می‌نشینند و رویدادها را می‌بینند و در اجتماعی‌ترین حالت شاید متمایل به صحبت کردن باهم و درگیر شدن فعالانه در رویدادهای فضا شوند. بر این اساس هرچه پویایی و تحرک درونی فضا بیش‌تر باشد، می‌توان روابط اجتماعی را از حالت ایستا و متکثر به وضعیت پویا و متمرکز ارتقاء داد و در نتیجه اجتماع‌پذیری در آن را بیش‌تر کرد. همچنین فضاهای اجتماع‌پذیر در نواحی بی‌کیفیت به‌گونه‌ای است که به الگوهای رفتاری کاربران پاسخ روان و مطلوب نمی‌دهد. به‌طوری‌که فرم فضا نمی‌تواند بین متغیرهای مختلف و درونی خود، مانند نیاز رده‌های مختلف سنی، رفتارهای مختلف و عقاید متنوع هماهنگی و ارتباط به وجود آورد. در این حالت تعداد کم‌تری از فضا استفاده می‌کنند، کاربران در فضا احساس راحتی نمی‌کنند، دامنه انتخاب کمی دارند و رویدادهای فضا برایشان تکراری و عادی می‌شود و در نهایت منجر به کم شدن اجتماع‌پذیری و صرفاً انجام فعالیت‌های اجباری می‌شوند. در حقیقت وجود عملکردهای مختلف در یک سایت با کارکرد تفریحی تا جایی می‌توانند به کارکرد اصلی سایت کمک نمایند که از نظر محتوا و نیز از نظر وسعت، به تداخل عملکردی و تعارض با کارکرد غالب سایت منجر نشوند.

فرم فضا و عناصر کالبدی هم، جنبه انطباقی دارد و بهتر است منطبق با نیازها و رفتارهای معمول کاربران باشد. در این صورت، استفاده کاربران از فضا راحت‌تر و روان‌تر صورت می‌گیرد، یعنی توقف و پیمایش و پرسه‌زنی و ادراک فضا بدون مانع فیزیکی و روانی روی می‌دهد. در این میان توجه ویژه به کاربران خانم، سالمند و کودکان ضرورت ویژه دارد. مثلاً اغلب کاربران خانم، در صورت وجود شرایط مناسب (امنیت فضا، وجود مکان‌های پرجاذبه و حوزه‌های تعریف شده برای نشستن) تمایل دارند که به نقاط عمیق‌تر فضا بروند و کاربران سالمند و کودکان نیز تمایل به تصرف بخش‌هایی مشخص و تعریف شده دارند. همچنین در فضاهای اجتماع‌پذیر کاربران غیردائم بیش‌تر جذب رویدادها و تعاملات اجتماعی می‌شوند و فرم و کالبد اثر کوتاه‌مدت در ادراک آن‌ها از فضا دارد. در مقابل، کاربران دائم در کنار رویدادهای اجتماعی به مقوله‌های فرمی دقت دارند و جزئیات و تزیینات و ... در تصویر ذهنی آن‌ها حضور دارند. بدین ترتیب زمانی معماری و عناصر فرمی می‌توانند در ساخت الگوهای ذهنی نقش داشته باشند که کاربران مدت طولانی‌تری را در فضاها سپری کنند که این عوامل موجب اجتماع‌پذیری در فضا و ارتقای کیفیت آن نیز می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهند که سه مؤلفه فعالیت، ادراک و کالبد شامل زیربخش‌هایی مرتبط با هم هستند و همچنین با یکدیگر همپوشانی دارند که میزان و نوع ارتباط آن‌ها با هم در اجتماع‌پذیری فضا مؤثر است. به‌طوری که می‌توان رفتار را در یک‌سوی این ارتباط و ادراک و کالبد را در سوی دیگر قرار داد. در این مدل الگوی فعالیتی (به خصوص فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی) بیش‌ترین تأثیرگذاری را بر اجتماع‌پذیری دارد.

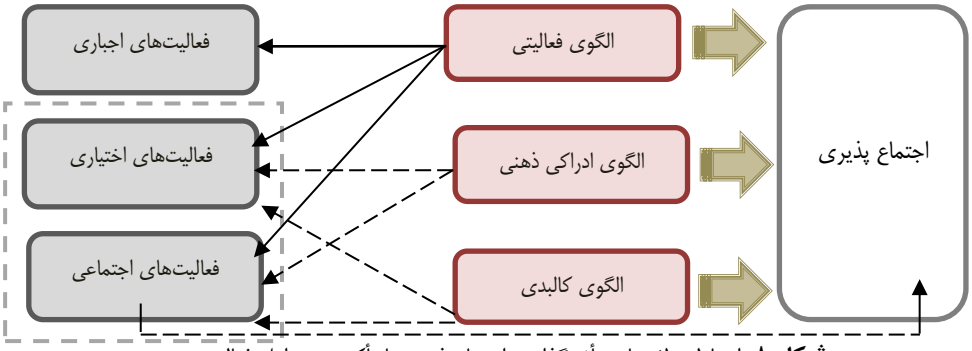

شکل ۸. ارتباط مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری با تأکید بر عوامل فعالیتی

راهکارها

با توجه به یافته‌های پژوهش راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

✓ صرف وجود فعالیت‌های اجباری یا اختیاری در یک مکان باعث اجتماع‌پذیر شدن آن نخواهد شد. لذا می‌توان چنین بیان کرد که به‌منظور اجتماع‌پذیری فضا، باید حداقل یک اجتماع در آن شکل بگیرد.

✓ فعالیت اختیاری زمانی می‌تواند در اجتماع‌پذیری مؤثر باشد که پتانسیل تبدیل شدن به فعالیت اجتماعی را داشته باشد.

✓ فعالیت‌های اجباری غالباً به فعالیت‌های اجتماعی تبدیل نمی‌شوند و صرفاً جهت برآورده کردن نیازهای ضروری و در بازه زمانی کوتاه شکل می‌گیرند.

✓ فعالیت‌های اختیاری در صورت وجود پتانسیل‌های کالبدی یا ادراکی ذهنی یا هر دو برای کاربران فضا اتفاق می‌افتد. در صورتی که محیط توانایی ارتقای فعالیت‌های اختیاری به اجتماعی را داشته باشد، اجتماع‌پذیری تحقق می‌یابد.

سپاسگزاری

از تمام کسانی که در اجرا و تدوین این پژوهش همکاری و همراهی کردند، سپاسگزاریم.

References

Altman, A. (2012). *Environment and social behavior*. Translated by Ali Namazian, first edition, Shahid Beheshti University Printing and Publishing Center. (In Persion)

Aminzadeh, B., & Afshar, D. (2002). Design and patterns of behavior (a proposal for the improvement of urban parks). *Journal of Environmental Studies*, 29(30), 43-60. (In Persion)

Bahrami, B. D. (2013). *Examining the interaction of spatial organizations & social relations of sociable public spaces, a case study, Sanandaj Park*, Ph.D Thesis, and University of Tehran University College of Fine Arts. (In Persion)

Bahreyni, H. (2008). *Analysis of urban spaces in relation to users' behavioral patterns & criteria for design*, Tehran: University of Tehran Publications. (In Persion)

Bentley, I. (1985). *Responsive Environments: A manual for designers*. Translation by Mostafa Behzadfar, Tehran: University of Science and Technology Publications.

Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*. London, Architectural Press.

Car, S. (1982). *Some Criteria for Environment form*. In S. Kaplan and R. Kaplan (Eds). Humanscape: Environments for People. Michigan: Ulrichs Books.

Carmona, M. (2021). *Public places urban spaces: The dimensions of urban design*. Routledge.

Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. G., & Stone, A. M. (1992). *Public space*. Cambridge University Press.

Dehkhoda, A. A. (1966). *Dictionary*. Tehran: Tehran University of Tehran Press. (In Persion)

Efroymson, D., Thi Kieu Thanh Ha, T., & Thu Ha, PH. (2009). *Public Spaces: How They Humanize Cities*. Dhaka: HealthBridge - WBB Trust.

Eynifar, A. (2012). A model for analysis of flexibility in traditional Iranian housing. *Journal of Honar-ha-ye-ziba Memari-va-shahrsazi*, 13(13), 64-77. (In Persion)

Fakuhi, N. (2013). Urban anthropology. *Journal of Iranian Sociological Association*, 5(1), 40-57. (In Persion)

Garossi, S., Mirzaei, J., & Shahrokhi, E. (2006). Investigating the relationship between social trust and sense of security (case study of female students of Azad University, Jiroft Branch). *Journal of Research Police Science*, 9(2), 26-39. (In Persion)

Gehl, Y. (1987). *Life between Buildings: Using public space*. Copenhagen, Danish Architectural Press.

Gehl, Y. (2010). *Cities for People*. Washington D.C. Island PressGehl, Y. (2008). Life in the space between the buildings. Translated to Persian by Shasti, Sh. Tehran, *Journal of Jahad University*. (In Persion)

Ghalambor Dezfuly, M., & Naghizadeh, M. (2014). Urban Design in the Context of Social Interaction Enhancement (Case Study: Street between Neighborhoods). *Hoviat shahr*, 8(17), 15-24. (In Persion)

Gibson, J. (1979). An Ecological Approach to Visual Perception. Boston, MA: Houghton Mifflin.

Hall, E. T. (1966).*The Hidden Dimension*. Garden City, NY: Doubleday.

Hummon, D. M. (1991). The Great Good Place: Cafes, Coffee Shops, Community Centers, Beauty Parlors, General Stores, Bars, Hangouts, and How They Get You Through the Day. By Ray

Naghizadeh, M. (2010). *Analysis and design of urban space*. Tehran: Academic Jihad Culture and Art Research Institute. (In Persion)

Pakzad, J. (2007). *Theoretical foundations and process of urban design*. Tehran, Ministry of Housing and Urban Development, Urban Planning and Architecture Studies and Research Center, Tehran. (In Persion)

Rafiyan, M., & Khodaei, Z. (2010). The Study of Determining Indices and Criteria of Citizen's Satisfaction with Urban Public Spaces. *Rahbord Journal*, 16(53), 227. (In Persion)

Relph, E. (1976). *Place and placelessness* (Vol. 67). London: Pion.

Tehran: Armed Forces Geographical Organization. (In Persion) Kargar, B. (2004).Urban .

Salehinia, M., & Memarian, Gh. (2009). Sociability of space in architecture. Journal *of Honar-ha-ye-ziba*, 40(1), 5-17. (In Persion)

Van Raaij, W. F. (1983). *Shopping center evaluation and patronage in the city of Rotterdam*. Erasmus University, Department of Economics.

Whyte, W. H. (1980). *The social life of small urban spaces*.

Yeganeh, M., Bemanian, M.R, Eynifar, A.R., & Ansari., M. (2014). Explanation of Relationship between Citizens' Territorial Behavior and Perception of Integration of Buildings and city in urban Public Spaces (Case Study: Vali-e- Asr(aj) Street of Tehran). *Hoviat shahr*, 8(19), 5-18. (In Persion)

منابع

آلتمن، آیرون (۱۳۸۲). *محیط و رفتار اجتماعی*. ترجمه، علی نمازیان، چاپ اول، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

امین‌زاده، بهناز و افشار، دخی (۱۳۸۱). طراحی و الگوهای رفتاری (پیشنهادی برای بهسازی پارک‌های شهری). محیط شناسی، *ویژه نامه طراحی محیط*، ۲۹(۳۰)، ۶۰-۴۳.

بحرینی، سید حسین (۱۳۸۷). *تحلیل فضاهای شهری‌در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

بنتلی، ای‌ین (۱۳۹۲). *محیط های پـاسـخ ده:کتاب راهنمای طـراحـان*. ترجمه: مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

بهرامی، بختیار و دیبا، داراب (۱۳۹۰). *بررسـی تعامل سـازمان‌های فضـایی و روابط اجتماعی فضاهای عمومی اجتماع‌پذیر، نمونه موردی، پارک سنندج*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶). *مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری*. تهران، وزارت مسکن و شهر سازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری، تهران.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵). *لغت نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Oldenburg (Book Review). *Social Forces*, 69(3), 931.

Kamelnia, H. (2007). *Architecture and Collective Design Patterns (Analysis and Comparative Study of Collective Architecture Approach from the Perspective of Environmental Psychology)*.Ph.D. Thesis, University of Tehran University College of Fine Arts. (In Persion)

Lang, Jon. (1987). *Creating Architectural Theory: the role of behavioral Science in environment design*. New York, Van nostrand Reinhold.

Lennard & Lennard (1984). *Public life in urban places*. Southampton: Godlier.

Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of environmental psychology*, 28(3), 209-231.

Lowson, B. (2001). *The language of space*. Oxford: Architectural press.

Lynch, K. (1981). *A Theory of Good City Form*.Cambridge, Mass, MIT Press.

Lynch, K. (2008). *Theory of City Form. Translation: Seyed Hossein Bahraini*. Fifth edition, Tehran: University of Tehran. (In Persion)

Mir Moghtadai, M. (2009). The criteria for evaluation of formation, remembering and recording of collective memory. *Honar-ha-ye-ziba*, 37, 5-16. (In Persion)

Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Journal of urban design*, 3(1), 93-116.

رفیعیان، مجتبی و خدائی، زهرا (۱۳۸۸). بررسی شاخص ها و معیارهای موثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، *فصلنامه راهبرد*، ۱۶(۵۳)، ۲۴۸ -۲۲۷.

صـالحی‌نیا، مجید و معماریان، غلامحسـین (۱۳۸۸).اجتماع پذیری فضـا درمعماری. *هنرهای زیبا*، (۱)۴۰، ۱۷-۵.

عینی‌فر، علیرضا (۱۳۸۲). الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران. *هنرهای زیبا*، ۱۳(۱۳)، ۶۴-۷۷.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). انسان شناسی شهری. جامعه شناسی ایران، (۱)۵، ۵۷-۴۰.

قلمبردزفولی، مریم و نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱). طراحی فضای شهری به‌منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی. *هویت شهر*، ۸(۱۷)، ۲۴-۱۵.

کارگر بهمن (۱۳۸۳). *امنیت شـهری*. تهران: انتشـارات سـازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

کامل‌نیا، حامد (۱۳۸۷). معماری و الگوواره های طراحی جمعی (تحلیل و بررسـی تطبیقی رویکرد معماری جمعی از منظر روانشـناسـی محیطی). پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری.

گروسی، سعید؛ میرزایی، جلال و شاهرخی، احسان (۱۳۸۶). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احسـاس امنیت (مطالعه موردی دانشـجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت). *فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی*، ۹(۲)، ۳۹-۲۶.

لینچ، کوین (۱۳۸۷). *تئوری شکل شهر*. ترجمه : سید حسین بحرینی. چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.

میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۸). معیارهای سنجش امکان شکل گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر. *هنرهای زیبا*، ۳۷، ۱۶-۵.

نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹). *تحلیل و طراحی فضای شهری*. تهران: پژوه شکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.

یگانه، منصور؛ بمانیان، محمدرضا؛ عینی‌فر، علیرضا و انصاری، مجتبی (۱۳۹۳). تبیین رابطه رفتار قلمروپایی شهروندان با معیار ها و میزان ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در فضا های عمومی شهر (مطالعه موردی: خیابان ولیعصر تهران). *هویت شهر*، ۸(۱۹)، ۵-۱۸.